

"ثريا بها" چرند نويس بي آرم...



مرحومه شهلا جيلاني

سید موسی عثمان هستی سردبیر ماهنامه طنزی و انتقادی بینام درکاناد

نشان افغان را در سينه دارم

محبت به انسان نه کينه دارم

آرزوی دفن در روز آدنيه دارم

به دست از شهادت خينه دارم

شاعری و زن و بی ترازو

نگو که خانه قبر تو تاریک و تار است

می دانی مرده من زنده ترا بار است

فکر نکن سر قبر من خس و خار است

حرفهای بیهوده تو از سال های پار است

ثریا بها قلم خود را از آب (...م) داکتر نجیب الله پرکرده و سر (ک...) گنده خود نوشته

در سایتک حماسه زن به گردانندگی ثریابها، معشوقه یا (دوست دختر) پیشین دوکتور نجیب الله رئیس جمهور حزب دموکراتیک خلق که در عقد نکاح شرعی برادرش در آمد و گل های زیادی را بخاطر بی آبروگی خود و خانواده داکتر نجیب الله به آب داد؛ نوشته ای در آن سایت خواندم. از روی مجبوری صدیق برادر نجیب الله با پادرمیانی اعضای برجسته حزب دموکراتیک خلق به اثر فشار سلیمان لایق - بیرک کارمل و خیر، بخاطر حفظ نام خانوادگی و حزب خود تن به یک ازدواج ناموفق با ثریابها داد، صدیق و سلیمان لایق هنوز زنده اند.

من نوشته ثریابها را که در سایت حماسه زن در قسمت شخص سلیمان لایق نوشته و در این نوشته پای "شهلاجیلانی" و خانواده او را هم به میان آورده و هدف اصلی اش لکه دار ساختن یک خانواده شریف است، چنانچه به بهانه دوستی دوستی؛ تنبان احمدشاه مسعود را در کتاب چتل "رها در باد" کشید.

باوجود مریضی و پیری، شناختی که من از خانواده ثریا بها و خانواده "شهلاجیلانی" دارم؛ وجدان سالم من را آرام نگذشت چون شاهد زنده هردو خانواده می باشم مجبور چند سطر مختصر در باره هردو خانواده نوشتم.

هدف اصلی ثریابها در نوشته این بوده که با وارونه نویسی دامن بلند مادر خود را پائین کند که این آفتاب با دو انگشت پت کرده نمی شود.

ثریا بها در آغاز می نویسد:

" شناخت نزدیک و درک عمیقی که از کارنامه های غلام مجدد (سلیمان لایق)، این شیاد بزرگ تاریخ داشته ام بر آن شدم تا با تعهد وامانت داری یک نویسنده مبارز به نقش های چند پهلو و انگلیس مآبانه وی در کتاب (رها در باد) پردازم. مردی که بدین سان با روح پلید، شعور انسانی خود را از دست داده باشد"

ثریابها چرا با قلم پر از کثافت خود سر شخصیت سلیمان لایق همسنگر سابقه خود که هردو پرچی بودند با نمک حرامی چلیپا می کشد؟

همه حزب دموکراتیک خلق و اعضای برجسته حزب دموکراتیک خلق را مردم افغانستان از نزدیک می شناسند، حالا شناختی که من از طالب، مجاهد، حکومت کرزی و ع و غ دارم؛ گاو را سر گاو میش شهزاده می خوانم و من باسران و اعضای حزب دموکراتیک خلق کار ندارم، سلیمان لایق و ثریابها هردو زنده اند، سگ می داند و سناج .

درحالیکه آفتاب با دو انگشت پنهان نمی شود و کسانیکه در آن زمان با زنده یاد "شهلا جیلانی" و سلیمان لایق همکاری در رادیو کابل از نزدیک داشتند، خوشبختانه یک تعداد شان تا امروز زنده اند، از نطقان هم دوره ایشان میتوان از خانم "لطیفه کبیر سراج"، "مستوره"، "شفیقه حبیبی"، "زیبا خادم" و آقایان "سلام جلالی" و "کریم روهینا" نام برد.

نام نویسنده در بالای مقاله دیده نمی شود، همه می دانند که در چرند نویسی ثریا بها ید طولا دارد و یک زن سر تا پا پر از عقده و شکست خورده است و صد در صد مقاله از خود ثریا بها است و اگر همکاران آن زمان "شهلاجیلانی" و سلیمان لایق مقاله ثریا بها را در سایتک حماسه زن خوانده باشند و شناختیکه از خانواده سرشناس و شریف "شهلا جیلانی" دارند، شاید هزاران لعنت به

ثریابها و خانواده او فرستاده باشند. ازدواج خانم فتانه نجیب(جیلانی) با دوکتور نجیب الله حق شخصی هردو بوده ارتباطی با خانواده شان نمی گیرد و از شخصیت شان کاسته نمی شود و اگر دوکتور نجیب مرتکب هر اشتباه در طول زندگی شخصی و ایام زمامداری اش گردیده باشد به فتانه و خانواده "جیلانی خان" و هم به خانواده خودش ارتباط ندارد.

اینکه نجیب الله بعد از ارتباطات طولانی شاگرس می کند و با فتانه ازدواج می کند، این کار خود نجیب است و نباید ثریابها نوشته های دروغ و غیر انسانی در باره فتانه و خانواده فتانه بنویسد. ثریابها بخاطر پنهان کردن لنده مادرش دست به بد نامی یک خانواده شریف می زند. پدر ثریا بها دو زن داشت که زن اول او خواهر "حمیدی" تاجر مشهور افغانستان بود، از خواهر حمیدی دو پسر ماند که یکی از آنها از گوش کر بود و یکی از این دو برادر بخاطر ظلم مادر ثریابها و بی غیرتی و بی پروایی پدر خودکشی کرد.

مادر ثریابها قبل از گرفتن پدر ثریابها، زن پدر فضلی پولیس بود؛ مادر ثریابها با جیبوسنگ صراف سرای شهزاده روابط نامشروع تنگاتنگ داشت، پدر فضلی پولیس مادر ثریابها را طلاق داد؛ بعد او را پدر ثریابها گرفت، وقتیکه مادر ثریابها با زنده یاد سعدالدین بها ازدواج کرد، "میرغلام محمد غبار" و زنده یاد "عبدالهادی پریشان" روابط خود را با "سعدالدین بها" قطع کردند.

ثریا بها خواسته در این مقاله با یک تیر دو فاخته را بزند و داستان بدنامی مادر خود را پنهان کند و هم انتقام خود را از سلیمان لایق و داکترنجیب الله و فتانه گرفته باشد. در این مقاله از بی وجدانی کار می گیرد و می خواهد که "شهلاجیلانی" را بدنام کند، درحالیکه همه می دانند که "شهلاجیلانی" در موتر رادیو به اثر اکسیدن شهید شده، نه در موتر پولیس و ثریابها با این نوشته ها نمی تواند سوابق سیاه خود و مادر خود را پنهان کند و داستان ناپاک خود را در دامن پاک فتانه نجیب که همه مردم افغانستان "شهلاجیلانی" و خانواده او را از نزدیک می شناسند، پاک کند و تمام اقوام افغانستان هم خانواده ثریا بها را از نزدیک می شناسند و هم خانواده فتانه نجیب، خواهر "شهلا جیلانی" را از نزدیک می شناسند، فکر نکنم به چپ چپ سگ دریا مردار شود.

با این کاری ندارم که ثریابها در قسمت دوکتور نجیب الله و سلیمان لایق بخاطر عقده های شخصی و حزبی خود چه نوشته و چه می نویسد و همه می دانند که دوکتور نجیب الله و ثریا بها قبل از این که صدیق، برادر نجیب را بگیرد، چه روابط نامشروع داشتند و خود ثریا بها در کتاب رها در باد از روبرو نامشروع خود نه تنها با ببرک کارمل و نجیب الله، از دیگر اشخاص و افراد نام برده است.

ناگفته نماند که شیرزن زنده یاد "شهلاجیلانی" جزء تاریخ زرین مطبوعات افغانستان است (شهلا جیلانی زن خوش برخورد، فرو تن و یکی از زیباترین و خوش صدا ترین گویندگان رادیو افغانستان در دهه چهل خورشیدی بود، او خواهر کوچک "فتانه جیلانی" همسر داکتر نجیب الله بود که متأسفانه در یک حادثه ترافیکی در چهارراهی آریانا - کابل در موتر کابل رادیو به شدت زخمی و به شهادت رسید. خبر مرگ او نه تنها کابل، بلکه تمام افغانستان را لرزاند و در ماتم نشانند؛ شهلاکه زیبا، خوش تیپ و خوش لباس بود، در جوانی نامراد و از این دنیا رفت.)

من با شهلا و خانواده ثریا از نزدیک شناخت داشتم، واقعیت ها را نوشتم؛ روان "شهلا جیلانی" شاد و خاطرات اش زنده باد و امید است که ثریا بها از چرند نویسی دست بردارد و مانند خانم فرشته حضرتی، خانم لطیف پدرام گوشه خانه خود را بگیرد و باعث درد سر نه شود.

از جوانی تا پیری، از پیری تا به کی!؟